Archive of SID

ترانه‌های طبری امیر پازواری و اشعار هجایی ایرانی

دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور

عضو هیات علمی دانشگاه مازندران

مأمور به خدمت در دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

ترانه‌های طبری در زمره میراث ادبی و فولکوریک ایرانی است. در این مقاله، ترانه‌ها و اشعار امیرپازواری، شاعر بومی سرای خطه طبرستان (مازندران) و اشعار هجایی - تکیه‌ای ایرانی میانه (پارتی و فارسی میانه) مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است. طی این پژوهش، مشخص گردید که ترانه‌های طبری دنبالهٔ سنت شعری فهلویات قدیم بوده است؛ سنتی که خود بازمانده سنت گوسانی یا خنیاگری ایران در دوره میانه (دوران اشکانی و ساسانی) است. زبان طبری بازمانده زبان‌های ایرانی میانه، یعنی پارتی یا پهلوی اشکانی و فارسی میانه دوره ساسانی است. از نظرگاه ریشه‌ای‌شناسی، صرف و نحو و کاربرد واژگانی، گویش‌های شرق مازندران، بیشتر خصوصیات پهلوی اشکانی و گویش‌های غرب مازندران، عمدتا، ویژگی‌های فارسی میانه دوره ساسانی را نشان می‌دهد؛ هرچند با گذشت زمان، خصوصیات هر دو گویش با هم آمیخته شده است. از این رو ترانه‌های امیر پازواری گونهٔ تحول یافته ترانه‌های پارتی و فارسی میانه از نمونه‌های متأخر فهلویات قدیم به شمار می‌رود. در این پژوهش، نظریات ایران‌شناسان بلندپایه‌ای چون دکتر خانلری، هنینگ، بویس و لازا در باب هجایی بودن شعر ایرانی دوره میانه بررسی شده است.

واژگان کلیدی: امیر طبری، فولکوریک، مازندران، گوسان، موسیقی، پهلوی، پارتی، فهلویات، سرود، چامه، هجا، اوزان هجایی.

*****

www.SID.ir

Archive of SID

ترانه‌های امیر پازواری، شاعر طبری‌گوی و فولکوریک مازندران، حدود چهارصد سال سینه به سینه نقل شده است و هنوز بر زبان روستاییان و چوپانان ییلاقات این خطه جاری است و با همراهی نوای سوزناک نی خوانده می‌شود و دل کوهستان‌ها و دره‌ها را می‌شکافد، یا در دشت‌ها به هنگام نشا و درو خوانده می‌شود و عمدتا درباره موضوعات فرح‌بخشی مانند بن‌مایه‌های طبیعت، عشق، شوریدگی، جدایی، شادی و اندوه است.

یکی از ویژگی‌های مشترک ترانه‌های امیر و اشعار هجایی پارتی و فارسی میانه این است که این ترانه‌ها جنبه شفاهی داشته و با موسیقی خوانده می‌شده است. شاعران روزگار اشکانی و ساسانی در واقع نوازندگان و موسیقی‌دانان روزگار خویش بوده‌اند. شاعر - نوازنده اشکانی، «گوسان» (gosan) نامیده می‌شد. رامشگر، سرودخوان و بربط نوازی که وصفش را در شاهنامه فردوسی می‌بینیم و در کسوت بیگانه نزد کیکاووس می‌آید و با خواندن «مازندرانی سرود» دل کیکاووس را می‌فریبد، از همین گوسان‌هاست.

به بربط چو بایست برساخت رود　　برآورد مازندرانی سرود

باربد، نکیسا و رامتین در واقع در زمره گوسان‌ها، یعنی شاعر - نوازندگان برجستهٔ روزگار ساسانی‌اند. (خالقی مطلق، ص ۵)

«گوسان» این واژگان پارتی یا پهلوی اشکانی است و برابر نهاد فارسی میانه آن «هُنیواز» (hunivaz) و «هنیاگر» (huniyagar) بوده و بعدها به خنیاگر بدل شده است. کریستنسن درباره ترانه‌ها و اشعار پهلوی معتقد است که شعر غیردینی دوره ساسانی، اوزان وبحوری با هجاهای مشخص داشته است. از این رو، برهان قاطع، نوای خسروانی (یکی از ساخته‌های باربد) را نثری مسجع پنداشته است. (کریستنسن، ص ۳۹)

در تقسیم‌بندی اشعار کهن، چهارگونه شعر قایل شده‌اند: ۱) سرود، ۲) چامه،

www.SID.ir

Archive of SID

۳) ترانگ، ۴) سرودهای حکمی و ضرب‌المثلی. (بهار، ص ۱۲۶). به گمان نگارنده، اشعار امیر پازواری در زمرهٔ «ترانگ» است. ترانه‌های امیر، که زیباترین و رایج‌ترین اشعار او را تشکیل می‌دهند، گاه چهارپاره و گاهی شش پاره یا هشت پاره، و عمدتا دوازده هجایی است، هرچند در میان اشعار او غزل و چامه هم می‌توان یافت. ترانگ‌های روزگار اشکانی و ساسانی نیز مصراع‌های ۱۰-۱۲ هجایی داشته است و ترانهٔ ویژهٔ همگان و تودهٔ مردم به شمار می‌رفته و قافیه‌دار نیز بوده است.

وجود واژه‌های پارتی و فارسی میانه در اشعار امیر پازواری خود نشانی از پیوند ریشه‌شناختی ترانه‌ها با زبان‌های ایرانی میانه است. واژه‌های زیر تنها نمونه‌ای از صدها واژهٔ پهلوی است که در ترانه‌های او و در گویش طبری بازمانده است:

خجیر (xejir): خوب و زیبا -- پهلوی: hucihr (فره‌وشی، فرهنگ زبان پهلوی، ص ۲۸۱)

کش (kaš): پهلو، زیر بغل -- پهلوی: kaš (مکنزی، واژه‌نامه پهلوی، ص ۵۰)

اشکم eškem:شکم --پهلوی:aškomb,aškamb(مکنزی،واژه‌نامه‌پهلوی،ص۱۳))

اجیگ (agik): کرم خاکی -- پهلوی: azi, azi (مکنزی، ص ۱۶)

کفتن kaften: افتادن، کفته (kafene می‌افتد) -- پهلوی kaftan (فرهنگ زبان پهلوی، ص ۳۰۶)

از سویی، بنا به رسالات پهلوی، از جمله رسالهٔ «خسرو و ریگ»، آلات موسیقی‌ای که برای ترانگ‌ها به کار می‌رفت، عبارت بودند از: ون (in): نوعی عود، دار (dar): نوعی عود، بربط، چنگ، تنبور، سنتوری به نام کنار (kannar)، نای، قره‌نی، و طبل کوچکی به نام دمبلگ (dumbalag). (Unvala, p.62-3)

ترانه‌های امیر پازواری نیز هنوز با «لله‌وا» (نی) و احیانا کمانچه و سازهای دیگر خوانده می‌شود و این خود جداناپذیری شعر و موسیقی ترانه‌های روزگار

www.SID.ir

Archive of SID

ساسانی و ترانه‌های محلی را به اثبات می‌رساند.

از سوی دیگر، در آثار منظوم سده‌های نخستین پس از اسلام، پیش از آغاز سرایش اشعار عروضی، رگه‌هایی از اشعار فارسی و گویش‌های محلی به شیوهٔ کهن – یعنی به شیوهٔ اشعار ایرانی میانه – دیده می‌شود. نمونهٔ این اشعار، سرود کرکوی، ترانه یزید بن مفرغ، سرود ختلان، سرود نوروزی، فهلویات، اورامنان و غیره است. این اشعار به طور شفاهی بر زبان مردم جاری بوده و برخی از آن‌ها در کتب قدیم ثبت شده است. از ساختار شعر، وزن‌های تکیه‌دار و هجایی اشعار مذکور می‌توان استنباط کرد که به شیوه اشعار پارتی و فارسی میانه سروده شده‌اند.

ژیلبر لازار، ایران‌شناس شهیر فرانسوی، درباره تکوین این سرودها و اشعار ایرانی، تحقیقات ارزنده‌ای دارد و معتقد است که برخی از اشعار مزبور حتی تا امروز در اشعار محلی و عامیانه دوام آورده‌اند، مثلا مصراع‌های دوبیتی در هجاهای اول تزلزلی میان هجای کوتاه و بلند نشان می‌دهند که با عروض سنتی و مرسوم بیگانه است. (فرای، ص ۹-۵۱۸)

ترانه‌های امیر را می‌توان گونهٔ تحول یافته و متاخر فهلویات قدیم دانست. فهلویات جمع «فهلوی»، معرب «پهلوی» است و منظور ترانه‌هایی است که پس از اسلام به گویش‌های محلی سروده شده است. ملک‌الشعراء بهار معتقد است که «بیت پهلوی» و «گلبانگ پهلوی» و «پهلوانی سماع» مربوط به آهنگ ویژه‌ای بوده که در قالب این ترانه‌های عمدتا دو بیتی ریخته شده و آن را «فهلوی» نامیده‌اند. چنان که امروز نام برخی از آهنگ‌های موسیقی است. مثل آواز دشتی و گوشه بختیاری در دستگاه همایون که بیشتر در این ابیات خوانده می‌شود (بهار، ص ۱۳۰-۱۲۷). بنابراین، نام امیر پازواری را می‌توان به فهرست فهلوی سرایانی چون رایگانی، بندار رازی، جولاهه ابهری، عزالدین همدانی، باباطاهر همدانی و غیره افزود.

www.SID.ir

Archive of SID

درباره هجایی بودن فهلویات قدیم بیشتر پژوهندگان متفق‌القول‌اند. دکتر خانلری دو بیتی‌هایی را تحلیل کرد که هر مصراع آن بر یک وزن است. او در مورد اوزان فهلویات معتقد به تساوی هجاها در پاره‌های شعر فهلوی است و بحر مستقل «ترانه» را پیشنهاد کرده است. (خانلری، ص ۶۳ به بعد). پرفسور مار معتقد است که «وزن فهلویات نسبت به وزن هزج مسدس محذوف کمتر تکامل یافته و بدین مناسبت خیلی قدیم‌تر از آن است. ما هیچ دلیلی نداریم تا گمان بریم که در اینجا اوزان ادبی غلط است یا تغییر داده شده، در حالی که اصناف قدیمی همین بحر هزج در محیط زنده و باقی است. شاید سایر اوزان هم دارای چنین اقسامی بوده باشند، شاید اقسام قدیمی حتی ابتدایی بحر متقارب هم باقی مانده باشند.» (خانلری، ص ۶۸)

برخی از پژوهندگان معاصر - از جمله وحیدیان کامیار و پرویز اذکایی - معتقدند که وزن فهلویات کاملا در بحر هزج (مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن) است و هر جا مصوت بلندی وزن را برهم زند، آن را کوتاه تلفظ می‌کنند و برعکس، به ضرورت وزن، مصوت کوتاه را امتداد می‌دهند. (وحیدیان کامیار، ص ۲۱ و اذکایی، ص ۱۸-۲۱۷)

اصرار در عروضی دانستن فهلویات و ترانه‌های محلی کاری بیهوده است. زیرا بسیاری از نمونه‌های فهلویات و ترانه‌ها در بحر هزج نیست. برخی، اوزان دیگری نیز قایل شده‌اند؛ مانند: بحر مشاکل (فلاعلاتن مفاعیلن فعولن) و چون به برخی از فهلویات برخورده‌اند که جور در نمی‌آید، پس استثنائاتی قایل شده، گفته‌اند که بحر مذکور دارای زحافات است؛ از جمله شمس قیس رازی در المعجم فی معاییرالاشعار العجم نمونه‌های بسیاری از فهلویات را نقل کرده و به دسته‌بندی اوزان آن‌ها پرداخته و چنین نتیجه گرفته است:

«بیشتر فهلویات که اغلب ارباب طبع، مصراعی از آن بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن، فعولن» که از بحر هزج است، می‌گویند، و مصراعی بر زون مشاکل و

www.SID.ir

Archive of SID

گاه فاعلاتن را حرفی در می‌افزایند... و بر مفعولاتن مفاعیلن فعولن فهلوی گویند و آن را با بحر هزج می‌آمیزند و مستحسن می‌دارند، از بهر انک علم ندارند و اصول افاعیل نمی‌شناسند.» (شمس قیس رازی، ص ۹-۲۸)

شمس قیس آن گاه به ذکر نمونه‌هایی از فهلویات بندار رازی و دیگران می‌پردازد و اوزان مختلف را بررسی می‌کند و برخی از ترانه‌ها را «ناخوش» می‌داند و «موجب ناخوشی این اوزان را اختلاف نظم اجزا و عدم تناسب ارکان» می‌داند و می‌افزاید که «گفتم که در این بحور، قدما شعر گفته‌اند و این اشعار ایشان است که این زمان مهجورالاستعمال است.» (شمس قیس رازی، ص ۳۰). شمس قیس از بندار رازی این بیت را نمونه می‌آورد:

مشکین کلکی سروین بالایی وا دو چشم شهلا و چه شهلایی

و آن را «نامطبوع به اوزان مستهجن و ازاحیف مختلف» می‌داند. البته در بررسی عروضی فهلویات و ترانه‌ها حق با شمس قیس است. اما واقعیت این است که فهلویات و ترانه‌ها را نباید با وزن عروضی سنجید. بلکه باید این اشعار را هجایی و تکیه‌ای دانست که با ضرب آهنگ ویژه‌ای هماهنگ با موسیقی خوانده می‌شده است.

امروز با تحقیقات جدید ایران‌شناسان، از جمله پژوهش‌های هنینگ و ژیلبر لازار، دیگر هجایی - تکیه‌ای بودن اشعار پهلوی و فهلویات به اثبات رسیده است. (Henning, pp.349-356; Lazard, p.371 seq.) پژوهش‌های جدید درباره اشعار پارتی و فارسی میانه مانوی نیز ثابت کرد که این اشعار هجایی است و مصراع‌ها چند تکیه دارد. حتی نام آهنگ‌های ویژه‌ای که سرودها و اشعار مانوی با آن خوانده می‌شده، در اشعار مضبوط است؛ مانند: «نوای تی تیت»، «خویش نوا» و غیره. (Boyce, p.53 seq.)

نمونه شعر هجایی و سه تکیه‌ای پارتی:

az rosn ud yazdan hem

www.SID.ir

Archive of SID

un izdeh bud hem az hawin

amwast abar man dusmanin

usan o murdan edwast hem

bag hem ke zad az bagan

از روشنی و ایزدانم

رانده شدم از آنان

گرد آمدند بر من دشمنان

به/واسطهٔ/آنان به/سوی/مردگان رانده شدم

ایزدم، زاده شدم از ایزدان. (ابوالقاسمی، ص ۱۲۴ و ۱۲۸)

نمونه مصراع‌های ۴ و ۵ هجایی اشعار مانوی:

۴ هجا a sah tu bagan

۵ هجا ud mas ma tirah

۵ هجا maran kaft ahaz

۵ هجا ud yobahr abnaft

نمونهٔ مصراع‌های ٦ و ۷ هجایی اشعار مانوی: «ابوالقاسمی، ص ١٦١-١٦٠).

۶ هجا pad megan aduren

۷ هجا ud ma bawah awarzog

۷ هجا abar kadag dizwarift

هنینگ، ایران‌شناس شهیر، منظومه پهلوی «درخت آسوریک» را تقطیع و بررسی کرد و ثابت کرد که شعر مذکور به طور متوسط دارای ابیات ۱۲ هجایی (حداقل ۱۰ و حداکثر ۱۴ هجایی) است و در میان آن‌ها یک سکته یا درنگ وجود دارد. او همچنین شعر مانوی M763 را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که

www.SID.ir

Archive of SID

مصراع‌های آن حداکثر ۱۲ و حداقل ۷ هجا دارند و حد متوسط آن‌ها ۵-۴/۵ (۹/۵) هجایی است. این شعر مانوی به پهلوی اشکانی بازمانده است. (Henning, pp.349-356)

قطعه شعر هجایی پارتی:

bradaran amwastan, ud wahigaran

wizidagan wextagan, ud azad puhran

gyanan rosnan, wizidagift argaw

frehift estunan, ud bam frazendan.

برادران، نیرومندان و نکوکاران

گُزیدگان گزیده و آزاد پسران

جانان روشن، نیکی گزیده

ستون‌های عشق و فرزندان روشنی.

در این شعر هجایی، مصراع اول ۶+۵ هجا، مصراع دوم ۷+۵ هجا، مصراع سوم ۴+۶ هجا و مصراع چهارم ۵+۵ هجا دارد. بررسی این مصراع‌ها با مصاریع دیگر نشان می‌دهد که قطعه شعر مزبور به طور متوسط ۹ هجا دارد و از ۷ تا ۱۲ هجا در نوسان است. (Henning, p.646)

لازار اشعار پهلوی اشکانی را هجایی و دارای خصوصیات زیر دانسته است:

۱- وزن بر تکرار واحدهای زمانی ضربی (ضرباهنگ) در فواصل منظم استوار است؛

۲- ضرباهنگ الزاما با تکیه واژه منطبق نیست؛

۳- کمیت هجاها نقش خاصی ایفا می‌کند. (لازار، ص ۲۷۹).

ترانه‌های امیر پازواری در اوزان ۱۰ الی ۱۴ هجایی سروده شده و شامل ترانه‌های چهار پاره، شش پاره و هشت پاره است. نگارنده با بررسی و آوانوشت ۲۷۲ ترانهٔ امیر، مضبوط در کنزالاسرار مازندرانی ویراسته برنهارد دُرن، نتیجه

www.SID.ir

Archive of SID

گرفت که ترانه‌های مذکور عمدتا در وزن ۱۲ هجایی است.

نمونهٔ ترانهٔ دوازده هجایی:

امیر گته دشت پازوار خجیره

گشت پازوار و در بهار خجیره

بی‌ریش ریکای زلف‌دار خجیره

چیت قلمکار بوته‌دار خجیره (پازواری، ص ۱۳۰):

(امیر گفته دشت پازوار خوب است

گشت و گذار پازوار در بهار خوب است

پسر بی‌ریش و زلف‌دار خوب است

چیت قلمکار بوته‌دار خوب است.)

A-mir ge-te das-te pa-ze-var xe-ji-re

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

gas-te pa-ze-var-o dar be-har xe-ji-re

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

bi-ris-e ri-ka-ye zelf-da-re xe-ji-re

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

ci-te ga-lem-kar-ebu-te dar xe-gi-re

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

برخی از ترانه‌های مصراع‌های مساوی ندارند. این نشان می‌دهد که تفاوت هجاها در پاره‌های مختلف ترانه‌ها را به یاری خوانش یا با همراهی موسیقی از بین می‌برده، و هماهنگ می‌کرده‌اند:

سیو شب ره مونته ته دتا چش

www.SID.ir

Archive of SID

کل مازرون ارزنه ته لب خش

ماهی نیمه که دوم دکفم کنارکش

زینگال نیمه که منقل بسوزه آتش (پازواری، ص ۱۵۲):

(شب سیاه را مانند است

دو چشمت، بوسه بر لبانت

به اندازه کل مازندران می‌ارزد،

ماهی نیستم که در دام تو بیفتم

ذغال نیستم که در آتش منقل تو بسوزم.)

si-ya sab re mun-ne-ne te de ta ces

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱

kel le ma-ze-run er-ze-ne te lab-e xes

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

ma-hi ni-me ke dum da-ke-fem ke-nar kas

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

zin-gal ni-me ke man-gel ba-su-ze a-tas

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

مصراع اول را می‌توان ۱۰ تا ۱۱ هجایی هم خواند.

نمونه مصراع سیزده هجایی:

ته چهره به خوبی گل آتشینه (پازواری، ص ۱۵۳).

te ceh-re be xu-bi-e ge-le a-te-si-ne

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳

نمونه مصراع ۱۱ هجایی:

گهر گل دیم مه گل دیم گهر. (پازواری، ص ۱۵۳)

www.SID.ir

Archive of SID

(گوهر چهره‌اش مثل گل است، گل‌چهره است گوهر)

go-her ge-le dim me ge-le dim go-her

۱۲۳۴۵۶۷۸۹ ۱۰ ۱۱

نمونه بیت ۱۰ هجایی:

گل من بنه روز دکاشته شه دس

هر روز او دامه وره به شه دس

(گل‌رامن در نه‌روز بادست خودکاشتم، هر روز با دست خودم آبش دادم.)

gel-men be-ne ruz de-kas-te se das

۱۲۳۴۵۶۷۸۹۱۰

har ruz u da-me ve-re be se das

۱۲۳۴۵۶۷۸۹۱۰

نمونه مصراع ۱۴ هجایی:

امیر گته من گشت هکردمه کل کوه ره

(امیر می‌گوید من کل کوهستان را در گردش بوده‌ام.)

A-mir ge-ne men gas-ta-ker-de-me kol-le ku-re

۱۲۳۴۵۶۷۸۹۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴

باید توجه داشت که ترانه‌های امیر با موسیقی ویژه کرانه خزری (طبری، گیلانی و دیلمانی) هماهنگ است. دربارهٔ ویژگی‌های اشعار طبری، کتابی به نام نیکیه‌نومه (نامه نیک) وجود داشت که توسط اسپهبد مرزبان پسر رستم پسر شروین در سده چهارم هجری نوشته شده بود. متاسفانه این اثر ارزشمند در دست نیست، اما بیتی در تاریخ طبرستان، تالیف ابن اسفندیار (۶۱۳ ه) آمده که وجود چنین کتابی را به اثبات می‌رساند و آن این است:

www.SID.ir

Archive of SID

چنین گته دونای زرین کتاره
به نیکی نومه که شعر جاده یاره
(چنین گفت دانای زرین گفتار
به نیکی نامه که راهنمای شعر است) (م.روجا، ص ۱۹).

از این گذشته، نام دو آهنگ مازندرانی که با اشعار محلی خوانده می‌شود، عبارت است از: ۱) مازرونی حال: آهنگ ویژه‌ای که در کوهستان‌ها و ییلاقات مازندران رواج دارد، ۲) مش حال (میش حال): نام آهنگی است که چوپانان کوهپایه‌ها می‌خوانند یا آن را با «لله‌وا» (نی) می‌نوازند. کاربرد کمانچه، تار، تنبور، دف و لله‌وا (نی) با ترانه‌های امیر نشان می‌دهد که اشعار هجایی مازندرانی با موسیقی عجین بوده است و می‌توان نوع سومی از آهنگ‌های مازندرانی قایل شد و آن را آهنگ امیری یا امیرخوانی خواند.

یکی از ترانه‌های بازمانده از شاعری طبری به نام مسته‌مرد یا دیواروز، شاعر دوره عضدالدوله دیلمی نیز ۱۰ تا ۱۲ هجایی و شش پاره است و نشان می‌دهد که سنت سرودن ترانه‌های شش پاره پیش از امیر نیز وجود داشته است و نگارنده معتقد است که ترانه‌های شش پاره و هشت پاره متعلق به ترانه‌های روزگار ساسانی بوده که پس از اسلام از میان رفته است و تنها در ترانه‌های محلی باقی مانده است.

شاعر ترانه‌سرای دیگری نیز به نام علی پیروزه در دوره عضدالدوله دیلمی می‌زیست که به زبان طبری اشعار بسیاری سروده است. ابن اسفندیار ترانه‌ای از او نقل کرده است که آن را شش هجایی دانسته‌اند، اما بی‌تردید شعر او دوازده هجایی است که در هجای ششم آن درنگ وجود دارد. (بهار، ص ۱۱۱-۱۰۹)

نتیجه:

با بررسی تطبیقی ترانه‌های طبری امیر پازواری و اشعار هجایی - تکیه‌ای پارتی

www.SID.ir

Archive of SID

(پهلوی اشکانی) و فارسی میانه دوره ساسانی، می‌توان نتیجه گرفت که اولا اشتراکات لفظی و واژگانی میان این اشعار وجود دارد، ثانیا وزن و آهنگ این سروده‌هااز ویژگی‌یکسان‌برخوردار است.هجایی بودن ترانه‌های‌طبری‌ازیک‌سو ، و خواندن این ترانه‌ها با استفاده از یک آلت موسیقی این فرضیه را مطرح می‌کند که ترانه‌سرایان فولکلوریک ایرانی از اعصار قدیم تا ادوار متأخر، بازماندگان سنت‌گوسانی - خنیاگری ایران در دوره میانه (اشکانی - ساسانی)اند. آنان این سنت شاعری - نوازندگی را در طول قرن‌های متمادی حفظ کرده‌اند و به نسل‌های بعدی انتقال داده‌اند.

منابع و مآخذ:

ابوالقاسمی، محسن. شعر در ایران پیش از اسلام. تهران: بنیاد اندیشهٔ اسلامی، ۱۳۷۴.

اذکایی، پرویز. باباطاهرنامه. تهران: توس، ۱۳۷۵.

بهار، محمدتقی ملک الشعرا. بهار و ادب فارسی،ج ۱. به کوشش محمد گلبن. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.

پازواری، امیر. کنزالاسرار مازندرانی،ج ۱.گردآورنده برنهارد دُرن. به کوشش محمدکاظم گل‌باباپور. تهران: [بی‌نا]، ۱۳۳۷؛ جلد دوم. بابل: [بی‌نا]، ۱۳۴۵.

خالقی مطلق، جلال. «مطالعات حماسی. حماسه‌سرای باستان». نشریه سیمرغ. بنیاد شاهنامه‌شناسی. تهران: شماره ۵ (تیر ۱۳۷۵)

خانلری، پرویز ناتل. وزن شعر فارسی. تهران: بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۴.

روجا، م. امیر پازواری و شعر و موسیقی. تهران: [بی‌نا]، ۱۳۷۱.

شمس قیس رازی. المعجم فی معاییر الاشعار العجم. تصحیح عبدالوهاب قزوینی و مدرس رضوی. تهران: [بی‌نا]، ۱۳۶۴.

فرای،ر.ن.(گردآورنده).تاریخ‌ایران از اسلام‌تاسلاجقه.ترجمهٔحسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

کریستنسن، آرتور. «شعر پهلوی و شعر فارسی قدیم». شعر و موسیقی در ایران. تهران: [بی‌نا]، ۱۳۶۶.

www.SID.ir

Archive of SID

لازار، ژیلبر. «وزن شعر پارتی». ترجمه م. میثمی. فصل‌نامه فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی)، شماره اول (سال نهم / ۱۷ بهار ۱۳۷۵)

مار، ک. «وزن شعر شاهنامه» (خطابه). کنگره فردوسی. تهران: [بی‌نا]، ۱۳۱۳.

وحیدیان کامیار، تقی. بررسی وزن شعر عامیانه. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۵۷.

Boyce, Mary. A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian. Leiden: 1975.

Henning, W.B. Selected Papers. Vol.2. Acta Iranica 15. Leiden: 1977.

Lazard, Gilbert. Acta Iranica 25. Leiden: Unvala, J.M. The Pahlavi Text: "King Husrav and his Boy". Paris: 1921.

www.SID.ir